

تحلیل فقهی نصاب قربانی بر مبنای طلا و نقره با تأکید بر مذهب حنفی
التحليل الفقهي لنصاب الأضحية على أساس الذهب والفضة مع التركيز على المذهب الحنفي
Juristic Analysis of the Sacrificial Threshold (Nisāb) Based on Gold and Silver with Emphasis
on the Ḥanafī School

Hanefi Mezhebi Çerçevesinde Altın ve Gümüş Esasına Dayalı Kurban Nisabının Fıkhî Analizi

عبدالمطلب بنوری^۱ رحمت الله فرقانیار^۲

چکیده

الله متعال احکام و مقررات متعددی را برای هدایت و سعادت بشر مقرر داشته است که رعایت آن‌ها زمینه‌ساز رستگاری دنیوی و اخروی انسان می‌باشد. از جمله این احکام، معاملات و عبادات مالی جایگاهی ویژه دارند که نقش اساسی در تحقق عدالت و تعادل اجتماعی ایفا می‌کنند. نصاب قربانی، به‌عنوان یکی از این احکام، علاوه بر وجوب شرعی، تضمین‌کننده عدالت مالی و اجتماعی نیز محسوب می‌شود. تعیین نصاب قربانی بر اساس ارزش طلا و نقره صورت می‌گیرد؛ در حالی که در گذشته این دو فلز تقریباً ارزش یکسانی داشتند ولی در عصر حاضر اختلاف قابل توجهی میان نصاب‌های آن‌ها مشاهده می‌شود و معیار قرار دادن هر یک، صاحب نصاب بودن را مشخص می‌سازد. از این رو، بررسی دیدگاه فقهای قدیم و معاصر مذهب احناف در این زمینه ضروری است تا مردم در مواجهه با مسائل قربانی، دچار سردرگمی نشوند. عوامل مؤثر بر نصاب، علاوه بر معیارهای شرعی، شامل نوسانات اقتصادی و ارزش روز فلزات گران‌بها نیز می‌باشند و تطبیق آن با شرایط معاصر نیازمند فهم عمیق فقهی و دقت در اجرای احکام است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که رعایت نصاب صحیح، تحقق وجوب شرعی، عدالت مالی و اجتماعی را تضمین می‌کند و بر اساس نظر اکثر فقهای احناف، اعم از قدیم و معاصر، معیار نقره همواره مرجع معتبر برای سنجش نصاب اموال تجارتي بوده است. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از مطالعه کتابخانه‌ای منابع فقهی و احادیث، دیدگاه فقهای گذشته و معاصر را تحلیل کرده و معیارها و اختلاف نظرها را به دقت بررسی می‌نماید.

کلمات کلیدی: زکات، شرایط، طلا، مذهب حنفی، نصاب قربانی، نقره، وجوب.

DOI:

<https://doi.org/10.69892/diw.an.2026.163>

مقاله تحقیقی / Research Article

تاریخ دریافت / Received Date

22.08.2025

تاریخ قبول / Accepted Date

02.10.2025

تاریخ نشر / Publication Date

01.01.2026

^۱ پوهندوی، دکتور، دیپارتمنت تعلیمات اسلامی، پوهنچى شرعیات، پوهنتون تخار، تخار، افغانستان.

^۲ پوهندوی، دکتور، دیپارتمنت افتاء و قضاء، ریاست تخصصات، جامعه عبدالله بن مسعود، کابل، افغانستان.

ORCID:

[0009-0007-0690-0885](https://orcid.org/0009-0007-0690-0885)

[0009-0000-1434-3440](https://orcid.org/0009-0000-1434-3440)

E-Mail:

safwanhaixyz@gmail.com

Forqanyar1986@gmail.com

این مقاله توسط نرم افزار تورنتین Turnitin بررسی شده Plagiarism یا سرقت ادبی تثبیت نگردید.

This article has been scanned by Turnitin. No Plagiarism detected.



نحوه ارجاع دهی از این مقاله در پاورقی / Citation :

عبدالمطلب بنوری- رحمت الله فرقانیار، "تحلیل فقهی نصاب قربانی بر مبنای طلا و نقره با تأکید بر مذهب حنفی"، مجله دیوان ۱/۷ (جدی ۱۴۰۴)، ۳۳-۵۶.

Abdul Mutalib Banawri- Rahmatullah Forqanyar, "Juristic Analysis of the Sacrificial Nisab Based on Gold and Silver with Emphasis on the Hanafi School" *Diwan Journal* 7/1 (January 2026), 33-56.

الملخص

لقد شرع الله تعالى أحكام و قوانين المتعددة لهداية البشر و سعادتهم الدنيوية والأخروية، وتعدّ المعاملات والعبادات المالية من أبرز هذه الأحكام؛ إذ تحتل مكانةً خاصة، وتؤدي دوراً محورياً في تحقيق العدل والتوازن الاجتماعي. ومن هذه الأحكام نصاب الأضحية، الذي يُعدّ ضماناً للعدالة المالية والاجتماعية إلى جانب كونه واجباً شرعياً. ويتم تعيين نصاب الأضحية على أساس قيمة الذهب والفضة، مع أنّ هذين المعدنين كانا متقاربين في القيمة في الزمن السابقة، أما في زماننا يُلاحظ تفاوت كبير بين نصابين، مما أدى إلى اختلاف معيار تحديد من يعد صاحب نصاب، ومن هنا تتجلى الحاجة إلى الوقوف على آراء فقهاء المذهب الحنفي قديماً وحديثاً في هذه المسألة، حتى لا يقع الناس في الحيرة عند تطبيق أحكام الأضحية. كما تشمل العوامل المؤثرة في تعيين النصاب إلى جانب المعايير الشرعية تقلبات الأوضاع الاقتصادية وتغير قيم المعادن النفيسة تبعاً للأسعار اليومية، الأمر الذي يتطلب فهماً فقهياً عميقاً ودقة في تنزيل الأحكام على الواقع المعاصر. وتُشير نتائج البحث إلى أنّ الالتزام بالنصاب الصحيح يضمن أداء الوجوب الشرعي وتحقيق العدالة المالية والاجتماعية، وأنّ تعيين الفضة ظلّ المرجح المعتمد في تقدير نصاب الأموال التجارية، وذلك وفق رأي جمهور فقهاء الحنفية من المتقدمين والمعاصرين. وقد تناولت هذه الدراسة الموضوع بأسلوب وصفي-تحليلي، معتمدة على دراسة المصادر الفقهية والأحاديث النبوية، تحليل آراء الفقهاء السابقين والمعاصرين، ومراجعة المعايير و الخلاف بينها بدقة علمية.

الكلمات المفتاحية: الزكاة، الشروط، الذهب، المذهب الحنفي، نصاب الأضحية، الفضة، الوجوب.

Abstract

Allah Almighty has established various rules and regulations for the guidance and well-being of humanity, adherence to which leads a person toward success in both this world and the Hereafter. Among these rulings, financial transactions and acts of worship hold a special place, as they play a crucial role in achieving justice and social balance. The Nisāb of sacrifice is one of these rulings. Beyond being a religious obligation, it also contributes to ensuring financial and social fairness. The Nisāb of sacrifice is determined based on the value of gold and silver. Historically, the values of these two metals were nearly equivalent; however, today there is a significant disparity between them. Choosing either gold or silver as the standard affects whether an individual is considered to have reached the Nisāb. Therefore, it is necessary to examine the views of both classical and contemporary Ḥanafi scholars on this issue, so that individuals do not encounter confusion when addressing matters related to sacrifice. Factors influencing the Nisāb, in addition to religious criteria, also include economic fluctuations and the current market value of precious metals. Applying these standards to modern conditions requires a deep understanding of fiqh (Islamic jurisprudence) and careful implementation of the relevant rulings. The findings of this research indicate that adhering to the correct

Nisāb ensures the fulfillment of the religious obligation while supporting financial and social justice. According to the majority of Ḥanafī scholars, both classical and contemporary, silver has consistently been regarded as the reliable standard for determining the Nisāb of tradeable wealth. This article employs a descriptive-analytical method and a library-based study of fiqh sources and hadiths, analyzing the views of past and present scholars and carefully examining the criteria and points of disagreement.

Keywords: Zakat, Conditions, Gold, Ḥanafī School, Nisāb of Sacrifice, Silver, Obligation

Özet

Yüce Allah, insanlığın hidayeti ve mutluluğu için çeşitli kurallar ve yönergeler koymuştur; bunlara uyulması, insanlığın dünya ve ahiret kurtuluşunun temelini oluşturur. Bu kurallar arasında, adalet ve sosyal dengenin sağlanmasında temel bir rol oynayan mali işlemler ve mali ibadet özel bir yere sahiptir. Bunlardan biri olan kurban nisabı, Şeriat yükümlülüğünün yanısıra, mali ve sosyal adaletin de bir güvencesi olarak kabul edilir. Kurban yükümlülüğü, altın ve gümüşün değerine göre belirlenir; geçmişte bu iki metalin değeri neredeyse aynı iken, günümüzde ikisinin payları arasında önemli bir fark görünmektedir ve her birinin kriteri payın sahibini belirler. Bu nedenle, insanların kurban hükmü ile ilgili kafa karışıklığına düşmemeleri için, bu konuda eski ve çağdaş Hanefi hukukçularının görüşlerini incelemek gereklidir. Şeriat kriterlerine ek olarak, Nisabı etkileyen faktörler arasında ekonomik dalgalanmalar ve kıymetli metallerin güncel değeri yer almaktadır ve çağdaş koşullara uyarlanması, fıkıh konusunda derin bir anlayış ve kuralların uygulanmasında dikkat gerektirmektedir. Araştırma bulguları, doğru nisap ölçüsünün uygulanması Şeriat yükümlülüklerinin, mali ve sosyal adaletin yerine getirilmesini garanti ettiğini gösterir. Hem eski hem de çağdaş Hanefi fıkıhçıların çoğuna göre gümüşün ticari mal nisabısını ölçmek için her zaman geçerli bir referans olduğunu göstermektedir. Bu makale, betimleyici-analitik bir yöntem ve fıkıh kaynakları ile hadislerin kütüphane incelemesi kullanılarak geçmiş ve çağdaş fıkıhçıların görüşlerini analiz etmekte ve kriterleri ve görüş ayrılıklarını dikkatlice incelemektedir.

Anahtar Kelimeler: Zekât, Şartlar, Altın, Hanefi Mezhebi, Kurban Nisabı, Gümüş, Yükümlülük

مقدمه

الحمد لله الذي شرع لعباده القربان تَقَرُّبًا إليه، وجعل الأنعام لهم من شعائر الدين، والصلاة والسلام على سيد الأنبياء والمرسلين وعلى آله وأصحابه أجمعين، ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين.

قربانی یکی از عبادات بنیادین اسلام است که هم از منظر عبادی اهمیت فراوان دارد و هم در بعد اجتماعی و اقتصادی نقش مؤثری ایفا می‌کند. این فریضه، علاوه بر قرب به خداوند، زمینه تحقق عدالت اجتماعی، توزیع متوازن منابع میان اقشار مختلف و تأمین نیازمندان را فراهم می‌سازد. اجرای صحیح قربانی، همخوانی میان توان مالی مکلفان و نیازهای جامعه را ایجاد کرده و از اسراف و تبذیر جلوگیری می‌کند. از این رو، فهم دقیق معیارهای مالی وجوب قربانی، نه تنها برای صحت عبادی فریضه ضروری است، بلکه در جهت تحقق عدالت و رفاه اجتماعی نیز اهمیت دارد.

تحقیق حاضر با هدف تحلیل فقهی نصاب قربانی بر اساس ارزش طلا و نقره در مذهب حنفی انجام شده است. مسأله محوری تحقیق، تعیین معیار دقیق نصاب قربانی و روشن ساختن شرایط مکلفان است تا اجرای این فریضه مطابق با احکام شرعی و اصول عدالت اجتماعی انجام شود و امکان انطباق احکام با مقتضیات اقتصادی و اجتماعی امروز فراهم گردد. اهداف اصلی تحقیق شامل بررسی مستندات فقهی و روایی نصاب قربانی، تحلیل دیدگاه‌های فقهای حنفی درباره معیارهای مالی وجوب قربانی، تبیین وجوب شرعی قربانی و پیامدهای اجتماعی و اقتصادی آن و ارائه راهکارهای تطبیقی برای شرایط روز است. پرسش‌های محوری تحقیق نیز عبارت‌اند از: نصاب قربانی در مذهب حنفی چگونه تعیین شده است و معیار مالی وجوب آن بر اساس طلا و نقره چیست و چگونه محاسبه می‌شود؟

مرور پیشینه نشان می‌دهد که فقهای حنفی در متون کلاسیک و معاصر فقهی به مسأله نصاب قربانی پرداخته‌اند؛ اما بررسی تطبیقی ارزش طلا و نقره و تأثیر آن بر وجوب قربانی کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته است. با این حال، منابع متعددی پیرامون نصاب قربانی بر اساس ارزش طلا و نقره نگاشته شده است که در این تحقیق به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد:

فرید الدین علم بن العلاء الاندرپتی در "الفتاوی التاتارخانیة"، که به زبان عربی نوشته شده است، تنها گفته است که معیار نصاب قربانی از نصاب نقره محاسبه می‌شود ولی از آن بیشتر دلائل بیان نکرده است. محمد یوسف لدهیانوی در کتاب خویش "آپ کے مسائل اور ان کا حل"، مفتی ضیاء الحق در "فتاوی دارالعلوم زکریا"، مفتی عبدالرحیم لاجپوری در "فتاوی رحیمیه"، مفتی محمودالحسن گنگوی در "فتاوی محمودیه"، مفتی سید محمد سلمان منصورپوری در "تخبة المسائل"، مولانا منظور یوسف در "قربانی کی احکام"، مولانا محمد الیاس گهمن در "فضائل و مسائل قربانی"، مولانا ولی حسن تونکی در "قربانی کی احکام و مسائل"، مفتی رضوان الله نسیم

قاسمی در "آسان مسائل قربانی" همه این کتاب‌ها در زبان اردو نوشته شده است که حکم مسأله و وجوب قربانی از نصاب نقره بیان نموده اند ولی از آن بیشتر دلائل و غیره در این کتاب‌ها بیان نشده است. هم‌چنان این کتاب‌ها به صورت کدام رساله تحقیقی که مختص برای بیان همین مسأله باشد، نیز نوشته نشده است و در زبان فارسی طبق تلاش و جستجوی بنده کدام مقاله و یا تحقیقی یافت نشد که مسأله متذکره را توضیح و تحقیق کرده باشد، از این رو، ضروری است که این موضوع در عصر حاضر، به زبان فارسی و در قالب یک مقاله تحلیلی و مستند، به طور کامل مورد بررسی قرار گیرد تا صورت مسأله برای عموم مردم روشن شود، ابهامات و اشکالات احتمالی که آیا معیار وجوب قربانی در نزد احناف، نصاب طلا است و یا نقره؟، رفع گردد، و هم‌زمان اصول فقهی و کاربرد عملی آن در زندگی روزمره تشریح گردد.

در این مقاله، روش بحث به صورت توصیفی-تحلیلی بوده؛ ابتدا تعاریف و مبانی فقهی قربانی و اضحیه بیان می‌شود، سپس دیدگاه‌های فقهای قدیم و معاصر در ارتباط به معیار نصاب قربانی از طلا و نقره بررسی و مقایسه می‌گردد؛ زیرا که قبلاً ارزش طلا و نقره تقریباً باهم مساوی بودند ولی در عصر کنونی تفاوت زیادی بین این چیز آمده که سبب اختلاف بین عده‌ای از مردم شده است. در ادامه با تحلیل مستندات شرعی، فتاوی و منابع معتبر، معیار مناسب برای سنجش نصاب در شرایط کنونی استخراج شده است. این روش امکان می‌دهد تا هم استدلال‌های فقهاء روشن شود و هم نتیجه‌گیری منطقی و کاربردی برای جامعه امروز ارائه گردد.

۱. کلیات و مبانی فقهی قربانی

۱.۱. تعریف قربانی

«قُرْبَانٌ» با ضم قاف، از باب تَقَرَّبَ به تَقَرُّبًا و تَقَرُّبًا گرفته شده است که به معنای چیزی است که به وسیله آن به خداوند متعال تقرب جسته می‌شود، و نیز به معنای هم‌نشین خاص پادشاه، و هم‌چنین به معنای «گشایش» آمده است و جمع آن، قُرَابِین است.^۱ و در کتاب "قاموس فقهی" قربانی چنین تعریف نموده است: "القربان: کل ما یتقرب به الی الله تعالی جل جلاله قرابین". یعنی قربانی هر چیزی است که به وسیله آن به خداوند متعال تقرب جسته می‌شود. جمع آن «قربانین» است.

و کتاب "الموسوعة الفقهية الكويتية" نیز قربانی را چنین تعریف نموده است: القربان: ما یتقرب به العبد الی ربه، سواء أكان من الذبائح أم من غيرها. والعلاقة العامة بین الأضحیة وسائر القرابین أنها كلها یتقرب بها الی الله تعالی، فإن كانت القرابین من الذبائح كانت علاقة الأضحیة بها أشد،

^۱ مجدالدین محمد بن یعقوب الفیروزآبادی، القاموس المحیط (بیروت: مؤسسه الرسالة، ۱۴۲۶ ه.ق.)، ۱۲۳.

^۲ سعدي أبو جیب، القاموس الفقهی لغة واصطلاحاً (دمشق: دار الفکر، ۱۴۰۸ ه/ ۱۹۸۸ م، چاپ دوم)، ۲۹۸.

لأنها يجمعها كونها ذبائح يتقرب بها إليه سبحانه، فالقربان أعم من الأضحية^۳. ترجمه: "یعنی قربانی آن چیزی است که بنده به وسیله آن به پروردگار خود تقرب می‌جوید، خواه از ذبیحه‌ها باشد یا از غیر آن. و رابطه عمومی میان «قربانی» (اضحیه) و سایر قربانی‌ها این است که همه وسیله تقرب به سوی خداوند متعال قرار می‌گیرند. اما اگر قربانی‌ها از ذبیحه‌ها باشند، ارتباط اضحیه با آن‌ها قوی‌تر است؛ زیرا وجه مشترک همه آن‌ها ذبیحه‌هایی است که به قصد تقرب به سوی خداوند سبحان تقدیم می‌گردند. بنابراین، «قربان» از «اضحیه» عام‌تر می‌باشد".

لذا طبق این تعریف دانسته می‌شود که قربانی عام است و اضحیه خاص است، البته در اصطلاح اکثر مردم، مراد از قربانی، همان اضحیه می‌باشد.

۲.۱. تعریف اضحیه

أضحیه از ضحا - ضحوا، وضحوا، وضحیا، گرفته شده است و به معنای، برآمدن آفتاب، آغاز شدن و آشکار شدن، گرمای آفتاب او را گرفت و خوردن در وقت ضحی (صبح میانه) را افاده می‌کند، جمع آن أضاحی است. شرعاً: ذبح حیوان مخصوص با نیت تقرب به درگاه خداوند، در زمان معین^۴.

علامه جرجانی رحمه الله قربانی را چنین تعریف نموده است: «الأضحیة: اسم لما یذبح فی أيام النحر؛ بِنِیَّةِ القربۃِ إلی الله تعالی». ^۵ ترجمه: "یعنی قربانی، نام چیزی است که در روزهای عید قربان (ایام نحر) با نیت تقرب به درگاه خداوند متعال ذبح می‌گردد".

۳.۱. مشروعیت قربانی

قربانی در سال دوم هجری واجب گردید؛ همانند زکات و نمازهای عیدین و مشروعیت آن به کتاب (قرآن)، سنت و اجماع ثابت است.^۶

مشروعیت آن از کتاب، از این آیات قرآن کریم ثابت است: ﴿فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحِرْ﴾^۷ ترجمه: "(پس برای رضای) پروردگارت نماز بگزار، و قربانی کن".^۸ و هم‌چنان آیه دیگری نیز ثبوت

^۳ وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية، الموسوعة الفقهية الكويتية (کویت: وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية، بی تا)، ۷۴/۵.

^۴ سعدي أبو جيب، القاموس الفقهي، ۲۲۰.

^۵ علي بن محمد بن علي الزين الشريف الجرجاني، التعريفات، المحقق. ضبطه وصححه جماعة من العلماء بإشراف الناشر (بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة: الأولى ۱۴۰۳ هـ. ق- ۱۹۸۳ م)، ۲۹.

^۶ وهبه بن مصطفى الزحيلي، الفقه الإسلامي وأدلته (دمشق: دار الفكر، چاپ چهارم)، ۲۷۰۲/۴.

^۷ الكوثر ۲/۱۰۸.

^۸ ترجمه قرآن کریم فارسی، مترجم: مولوی محمد انور بدخشانی (ریاض: مجمع ملک فهد، اسد ۱۳۹۷ هـ. ش - ۱۴۳۹ هـ. ق)، ۶۰۲.

قربانی را بیان میدارد: ﴿وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِّنْ شَعَثٍ﴾.^۹ ترجمه: "و (قربانی کردن) شتران (چاق و فربه) را برایتان از شعائر الله قرار دادیم."^{۱۰}

همچنان مشروعیت قربانی نیز از احادیث زیادی ثابت است از آن جمله: «عَنْ عَائِشَةَ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَا عَمِلَ ابْنُ آدَمَ يَوْمَ النَّحْرِ عَمَلًا أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، مِنْ هِرَاقَةِ دَمٍ، وَإِنَّهُ لِيَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ، بِقُرُونِهَا، وَأَطْلَافِهَا، وَأَشْعَارِهَا، وَإِنَّ الدَّمَ، لَيَقَعُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، بِمَكَانٍ قَبْلَ أَنْ يَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ، فَطَيَّبُوا بِهَا نَفْسًا»».^{۱۱} ترجمه: "از عایشه رضی الله عنها روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: هیچ عملی در روز نحر از ریختن خون (قربانی) نزد خداوند عزوجل محبوب تر نیست، و همانا آن در روز قیامت همراه با شاخها، سمها و موهای آن می آید، و یقیناً خون پیش از آنکه بر زمین بریزد، در نزد خداوند قبول می شود، پس با طیب نفس آنرا انجام دهید."

«عَنْ أَنَسٍ قَالَ: ضَحَّى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِكَبْشَيْنِ أَمْلَحَيْنِ فَرَأَيْتُهُ وَأَضْعًا قَدَمَهُ عَلَى صِفَاحِهِمَا يُسَمِّي وَيُكَبِّرُ، فَذَبَحَهُمَا بِيَدِهِ».^{۱۲} ترجمه: "از انس رضی الله عنه روایت شده که گفت: پیامبر صلی الله علیه و سلم دو قوچ سفید و شاخ دار (دارای سفیدی غالب همراه با اندکی سیاهی یا خاکستری) قربانی کرد، و من او را دیدم که پایش را بر پشت آنها گذاشته بود، بسم الله و تکبیر گفته، سپس آنها را با دست خود ذبح کرد."

۱.۴. حکم قربانی

از دیدگاه شریعت اسلامی، قربانی نه تنها عبادتی بزرگ بلکه نشانه‌ای از شکرگزاری در برابر نعمت‌های الهی و احیای سنت ابراهیم علیه السلام به شمار می‌رود، درباره حکم قربانی علامه کاسانی رحمه الله چنین نوشته نموده است: یعنی آنچه بر ثروتمند واجب است بدون آنکه نذر کرده یا برای قربانی خرید کرده باشد، بلکه به عنوان شکرانه‌ی نعمت زندگی و احیای سنت ابراهیم علیه السلام، وقتی خداوند عزوجل به او فرمان ذبح بره در این روزها را داد، به عنوان کفاره برای فرزندش، وسیله‌ای برای عبور از صراط و مغفرت گناهان و پاکسازی خطاها طبق آنچه احادیث بیان کرده‌اند. این قول امام ابو حنیفه رحمه الله، امام محمد رحمه الله، امام زفر رحمه الله، امام حسن بن زیاد رحمه الله و یکی از دو روایت ابو یوسف رحمه الله است، و از امام ابویوسف رحمه الله

^۹ الحج ۳۶/۲۲.

^{۱۰} بدخشانی، ترجمه قرآن کریم، ۳۳۶.

^{۱۱} محمد بن یزید القزوینی، سنن ابن ماجه، تحقیق. محمد فؤاد عبد الباقي (قاهره: دار إحياء الكتب العربية - فيصل عيسى البابي الحلبي، بی تا)، "الأضاحی"، ۱۰۴۵/۲ (۳۱۲۶).

^{۱۲} محمد بن إسماعیل البخاری، صحیح البخاری، تحقیق. جماعة من العلماء، الطبعة السلطانية (بیروت: دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ هـ.ق)، "الأضاحی"، ۱۰۱/۷ (۵۵۵۸).

روایت شده است که قربانی واجب نیست و امام شافعی رحمه الله نیز همین نظر را اختیار کرده است.^{۱۳}

۵.۱. شرائط وجوب قربانی

علامه کاسانی رحمه الله، شرائط وجوب قربانی را چنین بیان نموده است: «وَأَمَّا شُرَاطُ الْوَجُوبِ... فَمِنْهَا الْإِسْلَامُ فَلَا تَجِبُ عَلَى الْكَافِرِ لِأَنَّهَا قَرْبَةٌ وَالْكَافِرُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِ الْقَرَبِ... وَمِنْهَا الْحَرِيَّةُ فَلَا تَجِبُ عَلَى الْعَبْدِ... وَمِنْهَا الْإِقَامَةُ فَلَا تَجِبُ عَلَى الْمَسَافِرِ... وَمِنْهَا الْغَنَى... وَمِنْ الْمَتَأَخِّرِينَ مَنْ قَالَ لَا خِلَافَ بَيْنَهُمْ فِي الْأُضْحِيَّةِ أَنَّهَا لَا تَجِبُ فِي مَالِهِمَا؛ لِأَنَّ الْقَرْبَةَ فِي الْأُضْحِيَّةِ هِيَ إِرَاقَةُ الدَّمِ وَأَنَّهَا إِتْلَافٌ وَلَا سَبِيلَ إِلَى إِتْلَافِ مَالِ الصَّغِيرِ، وَالتَّصَدُّقُ بِاللَّحْمِ تَطَوُّعٌ وَلَا يَجُوزُ ذَلِكَ فِي مَالِ الصَّغِيرِ، وَالصَّغِيرُ فِي الْعَادَةِ لَا يَقْدِرُ عَلَى أَنْ يَأْكُلَ جَمِيعَ اللَّحْمِ وَلَا يَجُوزُ بَيْعُهُ وَلَا سَبِيلٌ لِلْوَجُوبِ رَأْسًا».^{۱۴}

در روشنی عبارت کاسانی رحمه الله برای وجوب قربانی، شرائط ذیل لازمی است:

۱. عاقل بودن، قربانی بر دیوانه و مجنون واجب نیست، زیرا تکلیف شرعی تنها متوجه افراد عاقل می‌گردد؛
۲. بالغ بودن، قربانی بر کودک واجب نیست، زیرا او مکلف به عبادات واجب نمی‌باشد؛
۳. آزاد بودن، قربانی بر غلام و کنیز واجب نیست، چون آنان مالک مستقل به شمار نمی‌آیند؛
۴. مقیم بودن، قربانی بر مسافر واجب نیست؛ همانند نماز عید که بر مسافر واجب نیست؛
۵. مسلمان بودن، قربانی از عبادات اسلامی است و بر غیر مسلمان واجب نمی‌شود؛
۶. مالک نصاب بودن، اگر فرد به اندازه نصاب مال داشته باشد، قربانی بر او واجب می‌شود.^{۱۵}

۶.۱. شرائط ادای قربانی

برای ادای هر عبادت در شریعت اسلامی، شرایط و اوقات معینی در نظر گرفته شده است. به‌گونه‌ای که نماز، روزه، حج و سایر عبادات هرکدام وقت و ضوابط خاص خود را دارند و بدون رعایت آن شرایط، عبادت کامل و صحیح نخواهد بود. قربانی نیز از این قاعده مستثنا نیست؛ بلکه مانند دیگر عبادات، دارای اوقات و شرایط ویژه‌ای است که باید رعایت گردد. پس شرایط ادای قربانی نزد فقهای کرام به دو بخش تقسیم شده است:

^{۱۳} علاء الدین أبی بکر بن مسعود الکاسانی، *بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع* (بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۳۲۷-۱۳۲۸ هـ.ق.)، ۶/۲؛ محمد أمين ابن عابدین، *حاشیة رد المحتار علی الدر المختار: شرح تنویر الأبصار* (قاهره: شركة

مکتبة ومطبعة مصطفى الحلبي وأولاده، چاپ دوم، ۱۳۸۶ هـ.ق = ۱۹۶۶ م.)، ۶/۳۱۳.

^{۱۴} الکاسانی، *بدائع الصنائع*، ۶/۵؛ ابن عابدین، *ردالمحتار مع الدر المختار*، ۶/۳۱۲.

^{۱۵} ابن عابدین، *ردالمحتار مع الدر المختار*، ۶/۳۱۲.

بخش نخست، شرط عام است که برای همه‌ی کسانی که قصد انجام قربانی را دارند لازم می‌باشد، و آن عبارت است از فرارسیدن وقت مخصوص قربانی؛ یعنی همان روزهای دهم تا دوازدهم ذی‌الحجه که از سوی شریعت اسلامی برای این عبادت تعیین گردیده است. بخش دوم، شرط خاص است که ویژه‌ی کسانی است که در شهرها زندگی می‌کنند و نماز عید در آن‌جا اقامه می‌شود. برای این دسته شرط است که قربانی‌شان پس از ادای نماز عید صورت گیرد و اگر چنین افراد قبل از ادای نماز عید قربانی نمایند، قربانی‌شان معتبر نمی‌باشد.^{۱۶}

۲. نصاب قربانی و تفاوت آن با نصاب زکات

۱.۲. تعریف نصاب

نصاب را صاحب قاموس فقهی چنین تعریف نموده است: «النَّصَاب: الاصل، والمرجع، يقال: رجع الامر إلى نصابه، جمعه نصب. شرعا: القدر الذي إذا بلغه المال وجبت الزكاة فيه».^{۱۷} یعنی نصاب در اصل به معنای ریشه و مرجع است، گفته می‌شود: کار به اصل خود بازگشت. جمع آن "نُصَب" است، در اصطلاح شرع، مقداری است که وقتی مال به آن برسد، زکات در آن واجب می‌شود.

و هم‌چنان در کتاب تعاریفات فقهی، نصاب را چنین معرفی نموده است: "النَّصَاب: شرعاً ما لا تجب فيما دونه زكاة من مال".^{۱۸} یعنی: نصاب همان حد معین مال است که اگر کمتر از آن باشد، زکات واجب نمی‌گردد.

۲.۲. نصاب زکات، قربانی و تفاوت این دو باهم

زکات و قربانی از حیث نصاب با یکدیگر تفاوت دارند. بدین سان، نخست نصاب هر یک به‌طور جداگانه بیان می‌گردد و سپس وجوه افتراق میان آن دو توضیح داده خواهد شد.

۱.۲.۲. نصاب زکات

نصاب زکات از جانب شریعت اسلامی معین گردیده و برای هر مال، نصاب جداگانه‌ای مقرر است:

طلا: نصاب آن طبق معیار فعلی، ۸۷ گرم و ۴۷۹ میلی‌گرم است.

نقره: نصاب آن طبق معیار فعلی، ۶۱۲ گرم و ۳۵ میلی‌گرم است.

^{۱۶} محمد بن عبد الواحد ابن الهمام، فتح القدير على الهداية (قاهرة: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي وأولاده، الطبعة الأولى، ۱۳۸۹ هـ. ق = ۱۹۷۰ م)، ۵/۶/۹؛ علاء الدين السمرقندي، تحفة الفقهاء (بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۱۴ هـ. ق/۱۹۹۴ م)، ۸۳/۳.

^{۱۷} أبو جيب، القاموس الفقهي، ۳۵۳.

^{۱۸} محمد عميم الإحسان المجددي البركني، التعريفات الفقهية (بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۲۴ هـ. ق/۲۰۰۳ م)، ۲۲۸.

مال تجارت و پول نقد: نصاب آن نباید کمتر از نصاب نقره باشد. زیورات: اگر از طلا ساخته شده باشد، شرط وجوب زکات آن رسیدن به نصاب طلا است و اگر از نقره باشد، شرط آن رسیدن به نصاب نقره می‌باشد. اگر مقدار طلا و نقره‌ای که نزد شخص است، هر یک به طور انفرادی به نصاب نرسد، اما در صورت جمع، مجموع آن به نصاب نقره برسد، زکات بر آن واجب می‌شود. همچنین اگر نزد شخصی طلا، نقره، پول نقد و مال تجارت موجود باشد که هیچ‌کدام به تنهایی به نصاب نرسد، ولی با جمع نمودن همه آنها مقدار مال به نصاب نقره برسد، در چنین صورتی نیز زکات واجب خواهد بود، بنابراین، هرگاه مجموع طلا، نقره، پول نقد و مال تجارت برابر با نصاب نقره گردد، زکات بر آن لازم می‌شود.

اما در مورد حیوانات، مانند شتر، گاو، گوسفند و غیر آن، نصاب مخصوص به خودشان مقرر گردیده که تفصیل آن در کتب معتبر فقهی به تفصیل ذکر شده است.^{۱۹}

۲.۲.۲. نصاب قربانی

نصاب وجوب قربانی، همان نصاب واجب شدن صدقه فطر است. بدین معنا که هر مرد یا زن مسلمان عاقل، بالغ و مقیم، اگر در ایام قربانی پس از کسر هزینه‌های واجب‌الاداء، دارای مالی بیش از نیاز اصلی خویش باشد که ارزش آن معادل با قیمت ۲۰۰ درهم نقره (۶۱۲ گرم و ۳۵ ملی‌گرم نقره)، یا بیشتر باشد - چه این دارایی به صورت نقد باشد یا طلا و نقره، یا در هر شکل دیگر و حتی اگر مال تجارت هم نباشد - بر او قربانی واجب می‌گردد. همچنین چنین شخصی شرعاً مستحق گرفتن زکات نمی‌باشد.

و هم‌چنان برای وجوب قربانی، گذشت یک سال از ملکیت یا تجارتي بودن مال نیز شرط نمی‌باشد، بلکه هرگاه فردی تا پیش از غروب آفتاب دوازدهم ذی‌الحجه صاحب نصاب گردد، قربانی بر او لازم است.^{۲۰}

۳.۲.۲. تفاوت بین نصاب قربانی و زکات

بین نصاب قربانی و نصاب زکات تفاوت‌هایی وجود دارد که فقهای کرام در کتاب‌های فقهی خود به آن اشاره کرده‌اند، بنابراین، با توجه به دیدگاه فقهای کرام، میان نصاب قربانی و نصاب زکات سه تفاوت اساسی وجود دارد.^{۲۱}

^{۱۹} الفتاوی العالمکیریه المعروفة بالفتاوی الهندیة، به فرمان سلطان محمد اورنگ‌زیب عالمگیر (قاهره: المطبعة الکبری الأُمیریة ببولاق، چاپ دوم، ۱۳۱۰ هـ.ق)، ۱/۱۷۹؛ ابن عابدین، رد المحتار، ۲/۲۹۸؛ کاسانی، بدائع الصنائع، ۲/۲۱۱.

^{۲۰} ابن عابدین، رد المحتار، ۶/۳۱۲.

^{۲۱} ابن عابدین، رد المحتار، ۶/۳۱۲؛ الفتاوی العالمکیریه المعروفة بالفتاوی الهندیة، ۱/۱۹۱.

الف: از جهت مقدار نصاب

قربانی بر هر مسلمان عاقل، بالغ و مقیم (مرد یا زن) واجب است که در ایام قربانی پس از کسر مصارف ضروری، دارای مال و متاعی بیش از ضرورت باشد که ارزش آن مساوی یا بیشتر از (۶۱۲ گرام و ۳۵ ملی گرام نقره) باشد، خواه به صورت نقد، طلا، نقره، مال تجارت باشد و یا هر متاع دیگری و نیز چنین شخصی مستحق گرفتن زکات نیز نیست.

اما نصاب زکات چنین است: اگر کسی تنها طلا داشته باشد، نصاب آن ۲۰ مثقال شرعی (۸۷ گرام و ۴۷۹ ملی گرام)، تنها نقره داشته باشد نصاب آن ۲۰۰ درهم (۶۱۲ گرام و ۳۵ ملی گرام) است و اگر پول نقد و مال تجارت به همین اندازه، یا مجموع این‌ها برابر نصاب نقره گردد، پس با گذشت یک سال قمری، پرداخت دو و نیم فیصد (۲,۵%) زکات واجب می‌شود.^{۲۲}

ب: از جهت نوع مال مشمول

زکات فقط بر اموالی واجب است که به طور عادی قابلیت افزونی و رشد دارند، مانند مال تجارت، مواشی، طلا، نقره و پول نقد؛ اما اشیای غیرنامی (مانند خانه شخصی، دکان، ظروف، اثاث منزل، ماشین آلات کارخانه، جواهرات غیرتجاری) مشمول زکات نیستند.

در حالی که در نصاب قربانی همه این چیزها (حتی غیرنامی) اگر از ضرورت افزون باشند، شامل می‌شوند. مثلاً داشتن خانه اضافی یا اثاث مازاد بر نیاز در نصاب قربانی حساب می‌گردد.^{۲۳}

ج: از جهت شرط مرور زمان

برای وجوب زکات، شرط است که مال نصاب یک سال قمری نزد مالک بماند؛ اما در قربانی چنین شرطی وجود ندارد، بلکه همین که در ایام قربانی شخص مالک نصاب گردد، قربانی بر او واجب می‌شود.^{۲۴}

۳. معیار نصاب قربانی بر مبنای طلا و نقره و دیدگاه فقهای احناف

نصاب قربانی از طلا و نقره قبلاً بیان شد که اگر شخصی صاحب نصابی از طلا و نقره باشد، بروی قربانی واجب می‌گردد، در این مسأله اختلافی نیست، البته اختلاف در مورد ارزیابی قیمت اموال تجارتي و پول نقدی است که نصاب آن با نصاب طلا سنجیده شود و یا با نقره؟ در این راستا فقهای کرام دیدگاه مختلف دارند و در کتب فقهی احناف، سه دیدگاه در این باره یافت می‌شود:

۱. مالک اختیار دارد که از میان نصاب طلا یا نقره، هر کدام را که بخواهد معیار قرار دهد.

این قول، «ظاهر الروایة» نامیده می‌شود؛

^{۲۲} الفتاوی العالمکیریه المعروفة بالفتاوی الهندیة، ۱۹۱/۱.

^{۲۳} الفتاوی العالمکیریه المعروفة بالفتاوی الهندیة، ۲۹۳/۵.

^{۲۴} الفتاوی العالمکیریه المعروفة بالفتاوی الهندیة، ۲۹۲/۵.

۲. اگر مال تجارتي و پول نقدی به نصاب یکی از طلا یا نقره برسد، همان معیار قرار گیرد، زیرا در این صورت فایده آن به فقرا و نیازمندان بیشتر می‌رسد. این قول «نادر الروایة» خوانده می‌شود؛

۳. معیار باید همان چیزی باشد که در ازای آن، مال تجارتي خریداری شده است. بنابراین اگر مال تجارتي در برابر درهم (نقره) خریده شده باشد، نصاب نقره معیار است، و اگر در برابر دینار (طلا) خریداری شده باشد، نصاب طلا معیار خواهد بود.^{۲۵}

البته در زمان حاضر، تفاوت چشم‌گیری بین نصاب طلا و نقره وجود دارد. در صورتی که نقره معیار قرار گیرد، قربانی بر کسی هم واجب می‌شود که حدود سی و پنج هزار افغانی یا یک مثقال طلا با اندکی پول دیگر داشته باشد؛ اما اگر طلا معیار باشد، بر چنین افرادی قربانی واجب نخواهد بود. در چنین وضعیتی، باید دید که آیا با در نظر گرفتن اصل «انفع للفقراء» (سودمندتر برای فقرا) حکم به وجوب قربانی داده شود؟ یا اینکه با در نظر گرفتن وضعیت صاحب مال، اختیار به او داده شود که از میان طلا یا نقره هر کدام را خواست معیار نصاب قرار دهد؟ در این زمینه چندین پرسش قابل تحقیق مطرح می‌گردد:

اول: آیا جایز است که «ظاهر الروایة» که اختیار به مالک می‌دهد، ترک شود و به «نادر الروایة» که بر اساس «انفع للفقراء» است، فتوا داده شود؟ در حالی که رعایت «انفع للفقراء» صرفاً یک روایت از امام صاحب ابوحنیفه رحمه‌الله است؟

دوم: شریعت در مورد فرضیت حج این را در نظر گرفته است که حج تنها بر کسی فرض است که علاوه بر هزینه رفت و برگشت، توان تأمین مخارج خانواده‌اش را نیز داشته باشد و نیز مقداری پولی که بتواند پس از برگشت به فعالیت اقتصادی‌اش ادامه دهد، حال اگر یک فروشنده دوره‌گرد که در دست فروشی‌اش چهل هزار افغانی مال‌التجاره دارد، بخواهد یک بُز متوسط خریداری کند، قیمت آن تا بیست هزار افغانی خواهد رسید، و با باقی‌مانده مالش دیگر نمی‌تواند فعالیت اقتصادی‌اش را ادامه دهد. پس چگونه می‌تواند قربانی کند؟

با در نظر گرفتن این امور، این رأی به میان آمده است که^{۲۶} در نصاب قربانی، اختیار به شخص مکلف داده شود؛ اما در باب زکات، هم‌چنان نقره معیار باقی بماند. وجه تفاوت میان قربانی و

^{۲۵} ابن همام، فتح‌التقدیر، ۲/۲۲۰.

^{۲۶} در عصر حاضر، برخی از علمای کرام بر این باورند که معیار نصاب قربانی باید طلا باشد نه نقره، زیرا تفاوت قیمت میان این دو فلز بسیار قابل توجه شده است. بر این اساس، یکی از مستفتیان دارالافتاء دارالعلوم کراچی (۱۸۲۴/۵۱)، مؤرخ ۱۷/۱۱/۱۴۳۷ پرسیده است که اگر نصاب قربانی بر اساس نقره سنجیده شود، بسیاری از افرادی که درآمد کمی دارند، واجب است قربانی کنند و این موضوع موجب حرج می‌شود، اما اگر نصاب بر پایه طلا قرار گیرد، این مشکل رفع خواهد شد. در پاسخ به این سؤال، یکی از اعضای دارالافتاء تصریح کرده است که با توجه به مشکلات موجود، اموال تجارتي و پول نقد باید بر اساس نصاب طلا سنجیده شوند و این نظر مورد تأیید اکثر اعضای دارالافتاء و مفتی

زکات این است که هدف از زکات، تأمین نیاز فقراء است، بنابراین باید بر روایت «انفع للفقراء» عمل شود. در حالی که هدف از قربانی، همدردی با فقراء نیست، لذا در این مورد، موضوع به اختیار شخص واگذار می‌شود.^{۲۷}

برای دانستن جواب این سوالات، امور ذیل بیان می‌شود:

۲.۲.۴. در تعیین نصاب، رعایت حال فقراء

کتاب فقهی معتبر حنفی و کتب فتاوی بر این متفق‌اند که در ارزیابی اموال تجارتي باید بر اساس قول «انفع للفقراء» و روایت «نادر الروایة» فتوا داده شود، قسمکیه علامه ابن عابدین رحمه الله این مسأله را چنین توضیح می‌دهد که: «(أَوْ) فِي (عَرَضِ تِجَارَةٍ قِيمَتُهُ نَصَابٌ)... (مَنْ ذَهَبَ أَوْ وَرَقٍ)... بِالْمَسْكُوكِ عَمَلًا بِالْعَرَفِ (مُقَوِّمًا بِأَحَدِهِمَا) إِنْ اسْتَوِيَا، فَلَوْ أَحَدُهُمَا أَرْوَجُ تَعَيَّنَ التَّقْوِيمُ بِهِ؛ وَلَوْ بَلَغَ بِأَحَدِهِمَا نَصَابًا دُونَ الْآخَرِ تَعَيَّنَ مَا يَبْلُغُ بِهِ، وَلَوْ بَلَغَ بِأَحَدِهِمَا نَصَابًا وَخُمُسًا وَالْآخَرُ أَقَلُّ قَوْمَهُ بِالْأَنْفَعِ لِلْفَقِيرِ سِرَاجٌ... قَوْلُهُ: مَنْ ذَهَبَ أَوْ وَرَقٍ) بَيَانٌ لِقَوْلِهِ نَصَابٌ. وَأَشَارَ بِأَوْ إِلَى أَنَّهُ مُخَيَّرٌ، إِنْ شَاءَ قَوْمَهُمَا بِالْفِضَّةِ، وَإِنْ شَاءَ بِالذَّهَبِ؛ لِأَنَّ التَّمَيِّنَ فِي تَقْدِيرِ قِيمِ الْأَشْيَاءِ بِهِمَا سَوَاءٌ بَحْرٌ، لَكِنَّ التَّخْيِيرَ لَيْسَ عَلَى إِطْلَاقِهِ كَمَا يَأْتِي... (قَوْلُهُ: مُقَوِّمًا بِأَحَدِهِمَا) تَكَرَّرَ مَعَ قَوْلِهِ مِنْ ذَهَبٍ أَوْ وَرَقٍ؛ لِأَنَّ مَا مَعْنَاهَا التَّخْيِيرُ وَمَحَلُّ التَّخْيِيرِ إِذَا اسْتَوِيَا فَفَطُ. أَمَّا إِذَا اخْتَلَفَا قَوْمٌ بِالْأَنْفَعِ... (قَوْلُهُ: تَعَيَّنَ التَّقْوِيمُ بِهِ) أَي إِذَا كَانَ يَبْلُغُ بِهِ نَصَابًا، لَمَّا فِي النَّهْرِ عَنِ الْفَتْحِ: يَتَعَيَّنُ مَا يَبْلُغُ نَصَابًا دُونَ مَا لَا يَبْلُغُ، فَإِنْ بَلَغَ بَكُلِّ مِنْهُمَا وَأَحَدُهُمَا أَرْوَجُ تَعَيَّنَ التَّقْوِيمُ بِالْأَرْوَجِ».^{۲۸} ترجمه: «علامه ابن عابدین رحمه الله این مسأله را چنین توضیح می‌دهد: «در مورد اموال تجارتي که ارزش آن به نصاب می‌رسد، می‌توان آن را به طلا یا نقره ارزیابی کرد و عمل به عرف صورت گیرد. اگر ارزش هر دو فلز برابر باشد، اگر یکی از اینها رائج تر باشد، ارجح آن معیار قرار می‌گیرد و اگر تنها یکی از آن‌ها به نصاب برسد، ارزش‌گذاری باید بر همان فلز انجام شود. و اگر یکی از آن‌ها به نصاب و پنجم برسد و دیگری کمتر، ارزیابی باید به انفع للفقراء انجام گیرد. اشاره وی به «طلا یا نقره» بیان‌کننده نصاب است و کلمه «أو» نشان می‌دهد که اختیار با مالک است؛ می‌تواند به نقره یا طلا ارزش‌گذاری کند، زیرا هر دو در تعیین ارزش اموال کاربرد یکسان دارند، اما این اختیار مطلق نیست و محدود به زمانی است که ارزش هر دو برابر باشد. اگر ارزش آن‌ها متفاوت باشد، ارزیابی باید بر مبنای سودمندترین مورد انجام شود. همچنین، اگر هر دو به نصاب برسند و یکی از آن‌ها ارجح باشد، ارجح معیار قرار می‌گیرد»».

صاحب محمد تقی عثمانی قرار گرفته است. البته مفتی صاحب در زیر امضای خود افزودند که این تحریر اطمینان‌بخش به نظر می‌رسد، اما برای صدور فتوی بر اساس آن، لازم است نظر سایر اهل علم و دارالافتاء‌ها نیز اخذ شود. با این حال، اکثر علمای مشهور و دارالافتاء‌ها با این دیدگاه موافقت نکرده‌اند و در بخش بعدی مقاله، نام این علمای کرام ذکر خواهد شد.

^{۲۷} کاسانی، بدائع الصنائع، ۲/۲۱۱.

^{۲۸} ابن عابدین، رد المحتار، ۲/۲۹۹.

علامه ابن همام رحمه الله همین مسأله با عبارت واضح و آشکار چنین توضیح می دهد:

«وَتَفْسِيرُ الْأَنْفَعِ أَنْ يُقَوْمَهَا بِمَا بَلَغَ نَصَابًا) صَرَّحَ الْمُصَنَّفُ بِاخْتِلَافِ الرُّوَايَةِ وَأَقْوَالِ الصَّاحِبِينَ فِي التَّقْوِيمِ أَنَّهُ بِالْأَنْفَعِ عَيْنًا أَوْ بِالتَّخْيِيرِ أَوْ بِمَا اشْتَرَى بِهِ إِنْ كَانَ مِنَ التَّقْوِدِ وَالْإِذَا فَبِالنَّقْدِ الْعَالِبِ الْمُطْلَقًا. ثُمَّ فَسَّرَ الْأَنْفَعُ الَّذِي هُوَ أَحَدُهُمَا بِأَنْ يُقَوْمَ بِمَا يَبْلُغُ نَصَابًا، وَمَعْنَاهُ أَنَّهُ إِذَا كَانَ بِحَيْثُ إِذَا قَوْمَهَا بِأَحَدِهِمَا لَا تَبْلُغُ نَصَابًا وَالْآخَرَ تَبْلُغُ تَعَيَّنَ عَلَيْهِ التَّقْوِيمُ بِمَا يَبْلُغُ فَأَفَادَ أَنَّ بَاقِيَ الْأَقْوَالِ يَخَالِفُ هَذَا وَلَيْسَ كَذَلِكَ، بَلْ لَا خِلَافَ فِي تَعَيُّنِ الْأَنْفَعِ بِهَذَا الْمَعْنَى عَلَى مَا يُفِيدُهُ لَفْظُ النَّهَائَةِ وَالْخِلَاصَةِ».^{۲۹}

ترجمه: "تفسیر «الأنفع» این است که مال به گونه ای ارزش گذاری شود که به نصاب برسد». مؤلف صریحاً به اختلاف روایات و گفته های صاحبین در خصوص معیار ارزش اشاره کرده است؛ برخی آن را به «الأنفع» به تنهایی، برخی با اختیار مالک، برخی بر اساس آنچه با آن خریداری شده است اگر از پول باشد، و در غیر این صورت با غالب پول نقد یا پول نقد غالب مطلق تعیین می کنند. سپس ابن همام «الأنفع» را که یکی از این معیارهاست، چنین معنا می کند که اگر ارزش گذاری با یکی از آن ها نصاب را تأمین نکند و با دیگری تأمین شود، معیار همان باشد که نصاب را کامل می سازد. این بیان می کند که سایر اقوال در این معنا مخالف اند و در واقع اختلافی در تعیین «الأنفع» به این مفهوم وجود ندارد، همان طور که لفظ «النهائية» و «الخلاصة» نیز نشان می دهد".

لذا از بررسی گفته های ابن عابدین و ابن همام رحمهما الله روشن می شود که هرگاه بین نصاب طلا و نقره اختلاف پیش آید و اموال تجارتي با یکی از آنها به نصاب برسد و با دیگری نرسد، معیار همان است که نصاب را کامل می کند؛ زیرا که طبق تصریحات فقهی همین بیشترین نفع برای فقراء است.

۳.۲. در چه صورت مالک اختیار دارد؟

اگر اموال تجارتي هم به نصاب طلا و هم به نصاب نقره برسد، در این صورت اختیار با مالک است که هر کدام را به عنوان معیار ارزش قرار دهد. اما اگر اموال تنها با یکی از این دو نصاب کامل شود، ارزش گذاری باید بر اساس همان نصاب صورت گیرد و در این حالت اختیار مالک منتفی است؛ چنان که ابن نجیم رحمه الله در این باره بیان می کند که: «وَأَشَارَ بِقَوْلِهِ وَرَقٌ أَوْ ذَهَبٌ إِلَى أَنَّهُ مُخَيَّرٌ إِنْ شَاءَ قَوْمُهُ بِالْفِضَّةِ، وَإِنْ شَاءَ بِالذَّهَبِ؛ لِأَنَّ التَّمَيَّنَ فِي تَقْدِيرِ قِيمِ الْأَشْيَاءِ بَعْدَهَا سَوَاءً، وَفِي النَّهَائَةِ لَوْ كَانَ تَقْوِيمُهُ بِأَحَدِ النَّقْدَيْنِ يَتِمُّ النَّصَابُ وَبِالْآخَرِ لَا فَإِنَّهُ يُقَوْمُهُ بِمَا يَتِمُّ بِهِ النَّصَابُ بِالِاتِّفَاقِ أَوْ فِي الْخِلَاصَةِ أَيْضًا مَا يُفِيدُ الْإِتِّفَاقَ عَلَى هَذَا... فَقَدْ قَالَ فِي الظَّهْرِيَّةِ رَجُلٌ لَهُ عَبْدٌ لِلتَّجَارَةِ إِنْ قَوْمٌ بِالذَّرَاهِمِ لَا تَجِبُ فِيهِ الزَّكَاةُ، وَإِنْ قَوْمٌ بِالذَّنَانِيرِ تَجِبُ فَعِنْدَ أَبِي حَنِيفَةَ يُقَوْمُ بِمَا تَجِبُ فِيهِ الزَّكَاةُ دَفْعًا لِحَاجَةِ الْفَقِيرِ وَسَدًّا لِحَلَّتِهِ، وَقَالَ أَبُو يُوسُفَ: يُقَوْمُ بِمَا اشْتَرَى فَإِنْ اشْتَرَاهُ بغيرِ النَّقْدَيْنِ يُقَوْمُ بِالنَّقْدِ الْعَالِبِ أَوْ بِالْحَاصِلِ أَنَّ الْمَذْهَبَ تَخْيِيرُهُ إِلَّا إِذَا كَانَ لَا يَبْلُغُ بِأَحَدِهِمَا نَصَابًا تَعَيَّنَ التَّقْوِيمُ بِمَا يَبْلُغُ

^{۲۹} ابن همام، فتح القدير، ۲۲۰/۲.

نَصَابًا... وَكَذَا قَالَ فِي الْهِدَايَةِ وَتَفْسِيرِ الْأَنْفَعِ أَنَّ يُقَوْمَهَا بِمَا يَبْلُغُ نَصَابًا.^{۳۰} ترجمه: «مالک در ارزش‌گذاری اموال خود میان طلا و نقره مختار است؛ اگر بخواهد می‌تواند مال را به نقره یا به طلا ارزش‌گذاری کند؛ زیرا هر دو در تعیین ارزش اشیاء یکسان‌اند. اما در «النهایه» آمده است که اگر ارزش‌گذاری با یکی از دو نوع، نصاب را کامل کند و با دیگری نکند، ارزش‌گذاری باید بر اساس همان نصاب انجام شود که نصاب را تکمیل می‌کند و در این صورت اختیار مالک ساقط است، همین معنا در «الخلاصه» نیز تأکید شده است، و در ظهیریه گفته شده که اگر مردی غلامی برای تجارت دارد و آن را به دراهم ارزش‌گذاری کند، زکات بر آن واجب نیست و اگر به دینار ارزش‌گذاری شود، زکات واجب می‌گردد؛ بنابراین از دیدگاه ابوحنیفه، مال باید بر اساس آنچه زکات بر آن واجب است ارزش‌گذاری شود تا نیاز فقراء تأمین و خلاء مالی آنان جبران‌گردد، و از دیدگاه امام ابو یوسف رحمه الله، ارزش‌گذاری باید بر اساس آنچه با آن خریداری شده انجام شود و اگر غیر از طلا و نقره خریداری شده باشد، بر اساس غالب پول نقد ارزش‌گذاری می‌شود. حاصل کلام آن است که اختیار در ارزش‌گذاری وجود دارد، مگر آنکه نصاب تنها با یکی از دو نوع تأمین شود؛ در این صورت ارزش‌گذاری باید بر اساس همان نصاب صورت گیرد، لذا در «الهدایه» گفته است که: معنای «الأنفع» آن است که مال به گونه‌ای ارزش‌گذاری شود که به نصاب برسد».

پس روشن شد که اختیار در ارزش‌گذاری تنها زمانی با مالک است که نصاب طلا و نقره هر دو تکمیل گردد؛ اما اگر مال تنها با یکی از این دو نصاب کامل شود و با دیگری نرسد، اختیار مالک منتفی است و ارزش‌گذاری باید بر اساس همان نصابی انجام گیرد که نصاب را کامل می‌سازد.

۴.۲. آیا فتوا بر اساس «نادر الروایه» جایز است؟

علامه شامی رحمه الله در «شرح عقود رسم المفتی» این موضوع را به تفصیل بیان کرده‌اند که اگر روایت نادر، دارای تصحیح باشد، بر اساس آن فتوا دادن جایز است، قسمکیه علامه شامی رحمه الله بیان کرده‌اند که: «در مسائل فقهی، اگر روایتی از منابع معتبر ظاهر باشد، فتوا بر اساس آن جایز است، حتی اگر صحت آن صریحاً تصریح نشده باشد. اما اگر روایت دیگری از کتب غیر ظاهر روایت تصحیح شود، می‌توان به آن رجوع کرد و فتوا بر اساس آن صادر کرد. علامه طرطوسی نیز تأکید می‌کند که قاضی مقلد تنها مجاز است بر اساس روایات ظاهر حکم کند و به روایات شاذ رجوع نکند، مگر آنکه صراحتاً فتوا بر اساس آن‌ها داده شده باشد».^{۳۱}

^{۳۰} زین الدین بن ابراهیم بن محمد ابن نجیم المصري، البحر الرائق شرح كنز الدقائق (قاهره: دار الكتاب الإسلامی، الطبعة الثانی، بی تا)، ۲/۲۴۶.

^{۳۱} محمد امین بن عمر، شرح عقود رسم المفتی (الهند: مركز توعية الفقه الإسلامی، بی تا)، ۵-۱۱.

همچنین علامه انور شاه کشمیری رحمه الله در «فیض الباری» می فرمایند: در مسائلی که چند روایت از امام ابوحنیفه رحمه الله نقل شده باشد، بسیاری از مشایخ معمولاً ظاهر روایت را ترجیح می دهند، اما به نظر من این روش همیشه صحیح نیست؛ به خصوص زمانی که روایت نادر با حدیثی معتبر تأیید شود. در چنین مواردی، همان حدیث معتبر را بر روایت نادر تطبیق می دهیم و مانعی نمی بینیم؛ زیرا هرگاه روایتی از امام ابوحنیفه رحمه الله نقل شده باشد، قطعاً پشت آن دلیل یا حدیثی موجود بوده است، و اگر ما حدیث مؤید آن را پیدا کنیم، همان را ترجیح می دهیم.^{۳۲} بنابراین، هرگاه اکابر فقهای کرام روایتی مانند «انفع للفقراء» را تصحیح کرده و بر اساس آن فتوا داده باشند، پیروی از چنین فتوا و استناد به آن کاملاً صحیح و مشروع است؛ زیرا این روایات پس از بررسی و تأیید علماء، معیار قابل اعتماد در مسائل فقهی محسوب می شوند و حکم بر اساس آن‌ها لازم و معتبر است.

۵.۲. «انفع للفقراء» مذهب امام صاحب است

رعایت «انفع للفقراء» صرفاً یک روایت از امام صاحب نیست، بلکه مذهب خود ایشان است، چنان که در «تبيين الحقائق» بیان شده است: «واعتبارُ الأنفعِ مذهبُ أبي حنيفةٍ ومَعْنَاهُ يَقُومُ بِمَا يَبْلُغُ نَصَابًا إِنْ كَانَ يَبْلُغُ بِأَحَدِهِمَا وَلَا يَبْلُغُ بِالْآخَرِ احْتِطَاءً لِحَقِّ الْفُقَرَاءِ.»^{۳۳} ترجمه: «اعتبار کردن آنچه نافع تر است، مذهب ابوحنیفه می باشد، و معنای آن این است که مال با چیزی سنجیده می شود که نصاب را کامل بسازد؛ در صورتی که با یکی از آن دو (طلا یا نقره) به نصاب برسد و با دیگری نرسد، تا احتیاطی در حق فقرا رعایت شده باشد.»

ابن نجیم رحمه الله نیز همین مسأله را مذهب امام ابوحنیفه رحمه الله قرارداده است: «وعن الإمام في (رواية النوادر) يقومها بالأنفع للفقراء وجعله الشارح مذهب الإمام.»^{۳۴} ترجمه: «و از امام (ابوحنیفه) در روایت النوادر نقل شده که او اموال را به آنچه برای فقرا سودمندتر است قیمت گذاری می کند، و شارح این را مذهب امام دانسته است.»

در «المحيط البرهاني» نیز به عنوان روایتی از امام محمد رحمه الله ذکر شده است. «وعن أبي حنيفة أنه يقوم بما فيه إيجاب الزكاة، حتى إذا بلغ بالتقوم بأحدهما نصاباً ولم يبلغ بالآخر قوم بما يبلغ نصاباً، وهو إحدى الروايتين عن محمد.»^{۳۵} ترجمه: «و از امام ابوحنیفه نقل شده است که: «ارزش گذاری مال به گونه ای باشد که زکات بر آن واجب گردد؛ به این معنا که اگر با

^{۳۲} محمد انور شاه بن معظم شاه، فیض الباری علی صحیح البخاری، تحقیق. محمد بدر عالم المیرتهی (بیروت: دار الکتب العلمیة، ط ۱، ۱۴۲۶هـ.ق/۲۰۰۵م)، ۴۶۵/۱.

^{۳۳} عثمان بن علی الزلیلی، تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق (قاهره: المطبعة الكبرى الأمیریة - بولاق، ط ۱، ۱۳۱۴ هـ.ق.)، ۲۹۷/۱.

^{۳۴} سراج الدین عمر بن ابراهیم بن نجیم حنفی، النهر الفائق شرح کنز الدقائق، تحقیق. احمد عزو عنایة (بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۲۲ق/۲۰۰۲م)، ۴۴۱/۱.

^{۳۵} برهان الدین محمود بن أحمد بن مازة بخاری حنفی، المحيط البرهاني في الفقه النعماني، تحقیق. عبدالکریم سامی الجندی (بیروت: دار الکتب العلمیة، ط ۱، ۱۴۲۴ق/۲۰۰۴م)، ۲۴۶/۲.

سنجش بر اساس یکی از معیارها نصاب کامل شود و با معیار دیگر نصاب نرسد، باید بر همان معیاری ارزش‌گذاری شود که نصاب را کامل می‌سازد. و این نظر یکی از دو روایتی است که از امام محمد نقل شده است.

۶.۲. تفاوت میان قربانی و حج

در عصر حاضر، برخی از علماء کوشیده‌اند قربانی را بر حج قیاس نموده و بر این اساس گفته‌اند که نصاب قربانی همان نصاب حج است؛ بنابراین هرگاه حج بر فردی واجب گردد، قربانی نیز بر او واجب خواهد بود و در غیر این صورت، وجوبی بر آن مرتب نیست. با این حال، چنین قیاسی صحیح به نظر نمی‌رسد؛ زیرا در باب قربانی، در روایات به صراحت واژه‌ی «سَعَه» (توانایی و گنجایش مالی) به کار رفته است. از سیاق و سباق و عیدی که در خصوص ترک قربانی وارد شده، چنین استفاده می‌شود که مقصود از «سَعَه»، حدّ اقل توانایی مالی است، نه بالاترین مراتب آن. این برداشت به وسیله‌ی نکته‌ی دیگری نیز تأیید می‌گردد و آن اینکه در مقایسه با زکات، نصاب قربانی چندان بر وسعت و گنجایش مبتنی نیست؛ زیرا در آن، نه «نامی بودن مال» شرط شده و نه گذشتن یک سال. در حالی که در فریضه‌ی حج، روایات به تفصیل از داشتن «زاد» (توشه) و «راحله» (وسیله‌ی سفر) سخن گفته و شارع در آن جا به روشنی وسعت و توانایی مالی گسترده‌تری را معیار قرار داده است.

همچنین برای ادای فریضه‌ی حج، لازم است انسان خانه و کاشانه‌ی خویش را ترک نماید؛ از این رو شرط وجوب حج آن است که فرد به اندازه‌ی دارایی در اختیار داشته باشد که هم مصارف سفر خویش را تأمین کند و هم برای خانواده‌ی خود به حدّ کفایت مالی بر جای گذارد تا آنان در غیاب او دچار تنگنای نشوند. افزون بر این، اگر شخص تاجر یا پیشه‌ور باشد، لازم است سرمایه‌ای مازاد نیز در اختیار داشته باشد تا پس از بازگشت از حج بتواند کار و حرفه‌ی خود را ادامه داده و از آن طریق نیازهای خانواده را برآورده سازد. به عنوان نمونه، اگر یک دست‌فروش از مجموع دارایی خویش که بالغ بر چهل هزار افغانی است، ده هزار افغانی را به مصرف قربانی برساند، با سی هزار افغانی باقی‌مانده هم‌چنان می‌تواند کسب و کارش را از سر گیرد و معیشت خانواده را به خوبی تأمین نماید. ولی در حج امکانات بیشتری از این درکار است.

در همین زمینه، ابن عابدین رحمه‌الله نیز تصریح کرده است که وجوب حج مستلزم توانایی مالی گسترده‌تری است که علاوه بر هزینه‌های سفر، کفایت معاش خانواده و تداوم زندگی اقتصادی فرد را تضمین نماید.^{۳۶}

۷.۱. عدم تفکیک میان نصاب زکات و قربانی

زکات و قربانی از حیث نصاب مشترک‌اند؛ از این رو، اگر در قربانی نصاب طلا به عنوان معیار پذیرفته شود، ناگزیر در باب زکات نیز باید همان معیار مورد اعتبار قرار گیرد، و در غیر آن صورت

^{۳۶} ابن عابدین، رد المحتار علی الدر المختار، ۴۶۲/۲.

هیچ دلیل موجهی برای این تفاوت باقی نخواهد ماند. به خصوص آنکه تمامی روایاتی که در باب نصاب قربانی ذکر گردیده‌اند، در حقیقت ناظر به نصاب زکات‌اند. نتیجتاً، پذیرش نصاب طلا در قربانی، راه را برای معیار گرفتن طلا در زکات نیز هموار می‌سازد، و این امر به‌طور طبیعی سبب خواهد شد که گروه زیادی از نیازمندان و مستحقان زکات، از دریافت کمک‌های مالی محروم گردند.

برخی برای تفکیک میان زکات و قربانی چنین استدلال کرده‌اند که هدف زکات رفع حاجت و نیازمندی فقراست، در حالی که قربانی چنین کارکردی ندارد؛ اما این تفکیک نادرست می‌نماید؛ زیرا همان‌گونه که زکات ابزار مهمی برای حمایت مالی از نیازمندان است، قربانی نیز وسیله‌ای مؤثر در یاری‌رسانی به آنان به‌شمار می‌آید. بدین جهت، مستحب است که یک‌سوم گوشت قربانی در میان خویشاوندان، و یک‌سوم دیگر میان فقراست تقسیم گردد، و پوست قربانی نیز به‌عنوان صدقه در راه خدا داده شود.^{۳۷}

نصاب قربانی، صدقه فطر، استحقاق زکات و وجوب نفقه بر اقارب، همگی یکسان‌اند. از این رو، اگر در مسأله قربانی نصاب طلا به‌عنوان معیار قرار داده شود، ناگزیر صدقه فطر نیز تنها بر فردی واجب خواهد بود که دارایی او به ارزش بیست مثقال طلا (۸۷ گرم و ۴۷۹ ملی‌گرم) برسد. در صورتی که شخص به چنین میزان سرمایه دست نیافته باشد، پرداخت صدقه فطر بر او لازم نخواهد بود، دریافت زکات برای او جایز می‌گردد و الزام شرعی در پرداخت نفقه به خویشاوندان فقیر و نیازمند نیز بر عهده‌اش نخواهد بود. در حقیقت، التزام به این دیدگاه نه‌تنها مشکلی را برطرف نمی‌سازد؛ بلکه بر دامنه دشواری‌ها و پیامدهای ناگوار آن خواهد افزود.^{۳۸}

۸.۱. دیدگاه علمای معاصر درباره معیار بودن نصاب نقره

بیشتر علمای معاصر بر این باورند که نصاب قربانی باید بر اساس نصاب نقره محاسبه گردد؛ بدین معنا که هرگاه دارایی فرد به اندازه نصاب نقره برسد، قربانی بر او واجب خواهد شد. با این حال، بر اساس تتبعات و تحقیق اینجانب، دو منبع معتبر به دست آمده است که در آن‌ها برخلاف دیدگاه مشهور، نصاب قربانی بر اساس طلا ترجیح داده شده است، نه نقره؛ زیرا به اعتقاد نویسندگان آن منابع، اگر نصاب نقره معیار قرار گیرد، شمار فراوانی از افراد کم‌بضاعت و نادار نیز مشمول وجوب قربانی خواهند شد، امری که به عُسر و حَرَج می‌انجامد و با حکمت تشریح قربانی که بر آسان‌گیری و توانمندی مالی استوار است، سازگاری ندارد. از این رو، در ادامه نخست این دو دیدگاه نقل و تبیین می‌گردد و سپس دیدگاه غالب بیشتر علمای معاصر که نصاب نقره را معیار می‌دانند به تفصیل بیان خواهد شد:

^{۳۷} الفتاوی العالمکیریه المعروفة بالفتاوی الهندیة، ۳۰۰/۵.

^{۳۸} ابن عابدین، رد المحتار علی الدر المختار، ۳۶۰/۲.

۱- در یکی از فتاوی صادره از «دارالعلوم کراچی» پس از بیان اختلاف نظر فقهای کرام و بررسی مقتضیات عصر حاضر، نویسنده فتوا چنین آورده است که: «نصاب قربانی مطابق نصاب طلا تعیین گردد تا افرادی که درآمد اندک دارند، مشمول وجوب قربانی نشوند»، اما مفتی محمد تقی عثمانی صاحب، در محل امضای همان فتوی این نکته را اضافه کرده‌اند: «این رأی به نظر بنده صحیح می‌رسد، لیکن برای صدور فتوی بر اساس آن، لازم است نظر سایر علمای کرام نیز اخذ گردد».^{۳۹}

البته اکثر دارالافتاهای معتبر، از جمله دارالافتاء دارالعلوم دیوبند، دارالافتاء بنوری‌تاون کراچی، جامعه فاروقیه کراچی، بنوریه سایت کراچی و دیگر دارالافتاهای مشابه، با این دیدگاه موافقت نکرده و نصاب نقره را به‌عنوان معیار تعیین نصاب قربانی پذیرفته‌اند. لازم به ذکر است که این دیدگاه‌ها در وبسایت‌های رسمی این دارالافتاهای به‌طور مستند قابل دسترسی و مطالعه می‌باشد و نشان‌دهنده اجماع عملی و جاری علمای معاصر در این زمینه است.

۲- نشست مجمع فقه اهل سنت ایران درباره نصاب قربانی

در نشست مورخه ۲ اسد ۱۳۹۹ هـ.ش، مجمع فقه اهل سنت ایران، که با حضور اکثر اعضای مجمع به صورت ویدئوکنفرانس برگزار شد، پیرامون مسأله نصاب قربانی پس از بحث و بررسی دیدگاه‌ها و آرای مختلف، جمع‌بندی به شرح زیر اعلام گردید:

۱. شخصی که تنها طلا دارد، برای وی معیار سنجش در قربانی، نصاب طلا است.
۲. فردی که تنها نقره دارد، برای وی معیار سنجش در قربانی، نصاب نقره است.
۳. افرادی که دارایی‌شان ترکیبی از طلا، نقره، اموال تجاری، پول نقد و سایر اموال مازاد بر حوایج اصلی است، یا تنها اموال تجاری، پول نقد و اموالی مازاد بر نیاز اصلی دارند؛ در این خصوص، دو دیدگاه بین اعضای مجمع فقه وجود دارد:

– برخی نصاب طلا را معیار قرار داده‌اند.

– برخی دیگر نصاب نقره را معیار قرار داده‌اند.

با توجه به تفاوت بین دو دیدگاه، چنانچه فرد مذکور نصاب طلا را معیار قرار دهد، شرعاً جایز است؛ ولی احوط و بهتر آن است که نصاب نقره معیار سنجش قرار گیرد.^{۴۰}

ولی اکثر فقهای حنفی اعم از پیشینیان و متأخرین، بر اساس روایتی که بیان می‌دارد "آنچه برای فقراء نافع‌تر است"، فتوا داده‌اند. این نوعی اجماع به حساب می‌آید و فتوا برخلاف آن جایز نیست. بزرگان ما نیز بر همین اساس فتوا داده‌اند، از جمله علمای معاصر که در کتاب‌های خویش

^{۳۹} دارالافتاء، دارالعلوم کراچی، فتوی شماره ۱۸۲۴، تاریخ ۱۷ ربیع‌الثانی ۱۴۳۷ هـ.ق.

^{۴۰} مجمع فقه اهل سنت ایران، نشست مورخه ۲ مرداد ۱۳۹۹ (۲ ذو الحجه ۱۴۴۱ هـ.ق).

<https://www.sunnatonline.org> (مصوبه نصاب قربانی). تاریخ دسترسی: ۱۴۰۴/۶/۲ هـ.ش. شناسه خبر: ۳۷۵۳۸

| تاریخ انتشار: ۰۶ مرداد ۱۳۹۹ - ۱۵:۴۷.

ہمین مسئلہ را بیان نموده اند، عبارتند از: مولانا محمد یوسف لدھیانوی در کتاب خویش، آپ کے مسائل اور ان کا حل،^{۴۱} فرید الدین علم بن العلاء الاندرپتی در الفتاوی التاتارخانیہ،^{۴۲} مفتی ضیاء الحق، در فتاوی دارالعلوم زکریا،^{۴۳} مفتی عبدالرحیم لاجپوری، در فتاوی رحیمیہ،^{۴۴} مفتی محمودالحسن گنگوی در فتاوی محمودیہ،^{۴۵} مفتی سید محمد سلمان منصورپوری در کتاب خویش نخبۃ المسائل،^{۴۶} مولانا منظور یوسف در کتاب خویش قربانی کی احکام،^{۴۷} مولانا محمد الیاس گھمن در کتاب خویش فضائل و مسائل قربانی،^{۴۸} مولانا ولی حسن تونکی در مقالہ خویش قربانی کی احکام و مسائل،^{۴۹} مفتی رضوان اللہ نسیم قاسمی در کتاب خویش «آسان مسائل قربانی»۔^{۵۰}

ہمچنین دارالافتاء دارالعلوم دیوبند در پاسخ به یکی از استفتائات درباره معیار قرار دادن نصاب نقرہ برای وجوب قربانی و ابہاماتی کہ در این زمینہ مطرح می شد، چنین بیان می کند: نصاب طلا و نقرہ ہر دو مشخص و منصوص است؛ یعنی اگر شخصی تنها طلا یا تنها نقرہ داشته باشد و دیگر اموال زکات پذیر را نداشته باشد، معیار نصاب همان طلا یا نقرہ خواهد بود۔ اما اگر دارایی فرد شامل پول نقد یا اموال تجاری باشد، فقہای کرام اختیار داده اند کہ نصاب بر اساس قیمت درہم یا دینار تعیین شود، مگر آنکہ با یکی از این معیارها نصاب کامل شود و با دیگری نہ؛ در این صورت، نصاب براساس همان چیزی تعیین می گردد کہ نصاب را کامل می کند۔ بنابراین، اگر دارایی شخص از نظر قیمت طلا بہ نصاب نرسد اما از نظر قیمت نقرہ بہ حد نصاب برسد، نصاب نقرہ معتبر خواهد بود۔ ہمچنین اشارہ شدہ است کہ در زمان پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم، ارزش نصاب طلا و نقرہ تقریباً برابر بود، اما اکنون این توازن وجود ندارد؛ با این حال، این اختلاف صرفاً

^{۴۱} لدھیانوی، محمد یوسف لدھیانوی، آپ کے مسائل اور ان کا حل (کراچی: مکتبہ لدھیانوی، طبع اول، ۲۰۱۱م)، ۴۲۰/۵۔

^{۴۲} اندرپتی، فرید الدین علم بن العلاء الاندرپتی، الفتاوی التاتارخانیہ، دیوبند: مکتبہ زکریا، طبع ۲۰۱۰م، ۴۰۶/۱۷۔

^{۴۳} مفتی ضیاء الحق، فتاوی دارالعلوم زکریا (کراچی: زمزم پبلشرز، طبع دوم، ۲۰۱۶م)، ۳۰۲/۶۔

^{۴۴} لاجپوری، مفتی عبدالرحیم لاجپوری، فتاوی رحیمیہ (کراچی: دارالاشاعت، بی تا)، ۳۵/۱۰۔

^{۴۵} گنگوی، مفتی محمودالحسن گنگوی، فتاوی محمودیہ (کراچی: جامعہ فاروقیہ، بی تا)، ۳۰۹/۱۷۔

^{۴۶} منصورپوری، مفتی سید محمد سلمان منصورپوری، نخبۃ المسائل (دیوبند: مکتبۃ التذکیر، طبع اول، ۱۴۴۶ھ۔ق)، ۱۹۰/۴۔

^{۴۷} مولانا منظور یوسف، قربانی کی احکام (کراچی: مکتبہ فکر آخرت، طبع دوم، ۱۴۳۳ھ۔ق)، ۲۲۔

^{۴۸} گھمن، مولانا محمد الیاس گھمن، فضائل و مسائل قربانی (سرگودھا: مکتبہ اہل السنۃ و الجماعۃ، بی تا)، ۸۔

^{۴۹} تونکی، مولانا ولی حسن تونکی، "قربانی کی احکام و مسائل"، ماہنامہ بینات، (ذوالقعدہ ۱۴۳۶ھ۔ق، بی تا)، ۱۹۔

^{۵۰} نسیم، مفتی رضوان اللہ نسیم قاسمی، آسان مسائل قربانی (نیپال: مکتبہ دار ارقم، بی تا)، ۳۰۔

حکمت است و نه دلیل شرعی، و نمی‌توان نصاب نقره تعیین شده توسط شریعت را باطل یا لغو کرد.^{۵۱}

دارالافتاء جامعه بنوری تاون کراچی در جواب سوالی که در باره نصاب قربانی مطرح شده بوده، چنین پاسخ داده است: نصاب قربانی همان نصاب صدقه فطر است. یعنی هر فرد عاقل، بالغ، مقیم و مسلمان (مرد یا زن) که در ایام قربانی (از صبح روز دهم ذی‌الحجه تا غروب روز دوازدهم ذی‌الحجه) دارایی زیر را داشته باشد، بر او قربانی واجب است:

۱- پس از کسر بدهی‌ها، ۷/۵ توله طلا، یا ۵۲/۵ توله نقره، یا معادل قیمت آن؛

۲- یا اموال تجاری، یا نیاز مازاد بر نیاز روزمره که ارزش آن برابر ۵۲/۵ توله نقره باشد؛

۳- یا ترکیبی از این دارایی‌ها که مجموع ارزش آن برابر ۵۲/۵ توله نقره شود.^{۵۲}

لذا بیشترین فقهای کرام در مسأله وجوب قربانی، نصاب نقره را به‌عنوان معیار قرار داده‌اند و این اجماع نشان‌دهنده اهمیت و اعتبار نصاب نقره در شریعت اسلامی است. خلاصه سخن آن است که در شرایط کنونی نیز، احکام قربانی باید بر اساس روایتی صادر شود که می‌فرماید: «آنچه برای فقراء نافع‌تر است» («أنفع للفقراء»); و همان‌گونه که تا اکنون تمامی فقهای کرام بر اساس همین روایت فتوا داده‌اند، این مسیر هم‌چنان معتبر و لازم‌الاجراء است. در امر تقویم و ارزش‌گذاری مال، اختیار دادن به مالک درست نیست و لازم است معیارها و نصاب‌های تعیین شده توسط شریعت رعایت گردد؛ تا هم عدالت مالی برقرار شود و هم مقاصد شرعی محفوظ بماند. بنابراین، هیچ تغییر و ملاحظه‌ای، حتی بر اساس تفاوت ارزش طلا و نقره در زمان حاضر، نمی‌تواند نصاب شرعی را دگرگون سازد؛ ادعای اینکه به دلیل بالاتر رفتن ارزش طلا و پایین آمدن ارزش نقره باید طلا معیار قرار گیرد تا افراد کم‌درآمد گرفتار عسر و حرج نشوند، از نظر شرعی دقیق نیست، زیرا چیزی که در شریعت منصوص شده، تغییر نمی‌پذیرد.

^{۵۱} سایت دارالعلوم دیوبند. <https://darulifta-deoband.com>. شماره جواب: ۱۵۰۷۶۰. تاریخ دسترسی:

۱۴۰۴/۷/۱۱ ه.ش.

^{۵۲} سایت دارالافتاء، جامعه علوم اسلامی علامه محمد یوسف بنوری ٹاؤن، www.banuri.edu.pk شماره فتوی:

۱۴۴۱۰۱۰۱۷۱۳، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۴/۷/۱۱ ه.ش.

نتیجه گیری

قربانی در شریعت اسلامی جلوه بی نظیر از تلاقی عبودیت فردی، مسؤولیت اجتماعی و تحقق عدالت به شمار می آید؛ عبادتی که هم نماد شکرگزاری از نعمات الهی است و هم وسیله ای برای همدلی با نیازمندان. این فریضه، ابعاد عبادی، اخلاقی و اجتماعی را به طور هم زمان در بر دارد و حامل پیام های تربیتی همچون پرورش روح ایثار، تقوا، تواضع و مسؤولیت پذیری است؛ بدین سان، علاوه بر ارتقای اخلاق فردی، رعایت حقوق محرومان و پیمودن مسیر عبادی و اخلاقی و امی دارد.

قربانی در معنای عام، هر آن چیزی است که وسیله تقرب به خداوند قرار گیرد، در حالی که «أضحیه» نوعی از قربانی خاص است که در ایام نحر با نیت قربت به درگاه الهی ذبح می شود. مشروعیت این عبادت بر اساس قرآن کریم، سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم و اجماع امت ثابت گردیده و حکم آن واجب است. قربانی بر مسلمان عاقل، بالغ، آزاد، مقیم و مالک نصاب واجب می گردد و باید در روزهای دهم تا دوازدهم ذی الحجه، در شهرهایی که نماز عید برگزار می شود، پس از ادای نماز عید انجام پذیرد.

نصاب قربانی با نصاب زکات تفاوت دارد؛ نصاب قربانی معادل با ۲۰۰ درهم نقره (۶۱۲ گرام و ۳۵ ملیگرام) است و گذشت مدت زمان شرط آن نمی باشد، در حالی که نصاب زکات بسته به نوع مال متفاوت است، تنها بر اموال قابل رشد تعلق می گیرد و شرط یک سال مالکیت در آن لحاظ شده است، همچنین نصاب قربانی شامل تمام اموال مازاد می شود، اما زکات فقط به اموال مشخص تعلق می گیرد.

اکثر فقهای متقدمین و علمای معاصر حنفی بر این باورند که معیار وجوب قربانی باید بر اساس نصاب نقره تعیین گردد، تا نصابی که از سوی شریعت به صراحت منصوص است تغییر نیافته و هم چنان برای نیازمندان سودمندتر باقی بماند. هر چند در برخی منابع جدید، نصاب طلا نیز به عنوان گزینه ای برای رفع بار تکلیف از دوش افراد کم درآمد مطرح شده است؛ اما این دیدگاه در مقایسه با اجماع فقهای کرام، جایگاهی محدود دارد. بنابراین، معیار معتبر همان نصاب نقره است که بر پایه روایت «أَنْفَعُ لِلْفُقَرَاءِ» مورد تأکید قرار گرفته و نشان می دهد شریعت اسلامی با حکمت و عدالت، ابعاد عبادی، مالی، اخلاقی و اجتماعی را به طور هم زمان در مسیر تعالی فرد و جامعه هدایت می نماید.

فهرست منابع

قرآن کریم

- ۱- ترجمه قرآن کریم فارسی، مترجم: مولوی محمد انور بدخشانی. ریاض: مجمع ملک فهد، اسد ۱۳۹۷ ه.ش / ذو القعدة ۱۴۳۹ ه.ق.
- ۲- ابن عابدين، محمد أمين ابن عابدين. حاشية رد المحتار على الدر المختار: شرح تنوير الأبصار. قاهره: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي وأولاده، چاپ دوم، ۱۳۸۶ ه.ق / ۱۹۶۶ م.
- ۳- ابن عابدين، محمد أمين بن عمر. شرح عقود رسم المفتى. الهند: مركز توعية الفقه الإسلامي، بی تا.
- ۴- ابن ماجه، محمد بن يزيد القزوينی. سنن ابن ماجه، تحقيق. محمد فؤاد عبد الباقي. قاهره: دار إحياء الكتب العربية - فيصل عيسى البابي الحلبي، بی تا.
- ۵- ابن مازه، برهان الدين محمود بن أحمد بن مازة بخاري حنفی. المحيط البرهاني في الفقه النعماني. تحقيق. عبدالكريم سامي الجندي. بيروت: دار الكتب العلمية، ط ۱، ۱۴۲۴ق/۲۰۰۴م.
- ۶- ابن نجيم، سراج الدين عمر بن ابراهيم بن نجيم حنفی. النهر الفائق شرح كنز الدقائق. تحقيق. احمد عزو عناية. بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۲۲ق/۲۰۰۲م.
- ۷- ابن نجيم، زين الدين بن ابراهيم بن محمد ابن نجيم المصري. البحر الرائق شرح كنز الدقائق. قاهره: دار الكتاب الإسلامي، ط ۲، بی تا.
- ۸- ابن همام، محمد بن عبد الواحد ابن همام. فتح القدير على الهداية. قاهره: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي وأولاده، چاپ اول، ۱۳۸۹ ه.ق / ۱۹۷۰ م.
- ۹- ابوبكر بن علي بن محمد حدادی عبادی زبیدی یمنی حنفی. الجوهرة النيرة. قاهره: المطبعة الخيرية، چاپ ۱، ۱۳۲۲ق.
- ۱۰- أبو جيب، سعدي أبو جيب. القاموس الفقهي لغة واصطلاحا. دمشق: دار الفكر، چاپ دوم، ۱۴۰۸ ه.ق / ۱۹۸۸ م.
- ۱۱- بخاری، محمد بن إسماعيل البخاري. صحيح البخاري. تحقيق. جماعة من العلماء. بولاق: المطبعة الكبرى الأميرية، ۱۳۱۱ ه.ق.
- ۱۲- برکتی، محمد عميم الإحسان المجددي البرکتی. التعريفات الفقهية. بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۲۴ ه.ق/۲۰۰۳ م.

- ۱۳- جرجانی، علي بن محمد بن علي الزين الشريف الجرجاني. *التعريفات*. ضبطه وصححه جماعة من العلماء بإشراف الناشر. بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۰۳هـ-۱۹۸۳م.
- ۱۴- زحیلی، وهبه بن مصطفى الزحیلی. *الفقه الإسلامي وأدلته*. دمشق: دار الفكر، چاپ چهارم، بی تا.
- ۱۵- زیلعی، عثمان بن علي الزیلعی. *تبيين الحقائق شرح كنز الدقائق*. قاهره: المطبعة الكبرى الأميرية، ط ۱، ۱۳۱۴ق.
- ۱۶- سمرقندی، علاء الدين السمرقندي. *تحفة الفقهاء*. بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۱۴هـ/ق. ۱۹۹۴م.
- ۱۷- *الفتاوى العالمية المكبرية المعروفة بالفتاوى الهندية*. به فرمان سلطان محمد اورنگزیب عالمگیر. قاهره: المطبعة الكبرى الأميرية، چاپ دوم، ۱۳۱۰هـ.ق.
- ۱۸- فیروزآبادی، مجدالدين أبو طاهر محمد بن يعقوب الفيروزآبادی. *القاموس المحيط*. بيروت: مؤسسه الرسالة للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۲۶هـ.ق.
- ۱۹- کاسانی، علاء الدين أبي بكر بن مسعود الكاساني. *بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع*. بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۳۲۷-۱۳۲۸هـ.ق.
- ۲۰- کشمیری، محمد أنور شاه بن معظم شاه. *فيض الباري على صحيح البخاري*. تحقیق. محمد بدر عالم الميرتهی. بيروت: دار الكتب العلمية، ط ۱، ۱۴۲۶هـ.ق/۲۰۰۵م.
- ۲۱- *وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية، الموسوعة الفقهية الكويتية*. كويت: وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية، بی تا.
- ۲۲- دارالافتاء، دارالعلوم کراچی. فتوی شماره ۱۸۲۴، تاریخ ۱۷ ربیع الثانی ۱۴۳۷هـ.ق.
- ۲۳- سایت دارالافتاء، جامعہ علوم اسلامیہ علامہ محمد یوسف بنوری ٹاؤن، www.banuri.edu.pk، شماره فتوی: ۱۰۱۷۱۳/۱۰۱۴۴۴، تاریخ دسترسی: ۱۴/۱۱/۱۴۰۴هـ ش.
- ۲۴- مجمع فقه اهل سنت ایران، نشست مورخه ۲ مرداد ۱۳۹۹ (۲ ذو الحجه ۱۴۴۱هـ.ق)، <https://www.sunnatonline.org> (مصوبه نصاب قربانی). تاریخ دسترسی: ۱۴/۱۱/۱۴۰۴هـ ش. شناسه خبر: ۳۷۵۳۸ | تاریخ انتشار: ۰۶ مرداد ۱۳۹۹ - ۱۵:۴۷.
- ۲۵- سایت دارالعلوم دیوبند. <https://darulifta-deoband.com>. شماره جواب: ۱۵۰۷۶۰. تاریخ دسترسی: ۱۴/۱۱/۱۴۰۴هـ ش.